

A Comparative Study of the Jurisprudential Company With Commercial Companies in Iranian Law

Abolfazl Nasiri¹, Nasser Afzalnejad^{2*}, Hassan Asadi³

1. PhD Student, Theology, Jurisprudence, Islamic Law, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Varamin-Pishva Branch, Tehran, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 79-92

Article history:

Received: 03 Apr 2024

Edition: 11 Jun 2024

Accepted: 27 Jul 2025

Published online: 27 Sep 2025

Keywords:

Company, Commercial Law.
Jurisprudential Contract.
Company in Jurisprudence.

Corresponding Author:

Nasser Afzalnejad

Address:

Iran, Tehran, Varamin-Pishva
Branch, Islamic Azad University,
Faculty of Literature and
Humanities, Department of
Jurisprudence and Fundamentals
of Islamic Law.

Orchid Code:

00009-0001-5155-2943

Tel:

02136725011

Email:

ABSTRACT

Background and purpose: Background and Objective: Since the company and its related issues are one of the most important issues discussed in civil law and commercial law.

Materials and Methods: The present article is descriptive and analytical. The materials and data are also qualitative, and questionnaires were used to collect the materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty, and trustworthiness have been observed.

Findings: Most Imamiyya jurists, considering evidence such as consensus, null and void ownership, gharar, and lack of evidence for the legitimacy of companies based on actions, negotiations, and funds, have considered the invalidity of the aforementioned companies and have proposed solutions such as peace to legitimize these contracts, which are not only unacceptable, but there is also no need for such frameworks; because these types of companies are common among people and there is no conclusive evidence for their invalidity. From the perspective of custom, there is no rational reason for the invalidity of these contracts. The civil law does not have a specific ruling in this area, but some jurists are inclined to the validity of these obligations.

Conclusion: By examining the words of the jurists, we came to the conclusion that the alleged consensus is doubtful and some experts believe in the validity of these contracts. Other reasons are also all doubtful and controversial. Therefore, it is possible to rule on the validity of these partnerships, considering the custom, which is the basis and foundation of transactions in Islamic jurisprudence, and not resort to solutions such as peace and attorneyship.

Cite this article as:

Nasiri, A; Afzalnejad, N; Asadi, H. *A Comparative Study of the Jurisprudential Company With Commercial Companies in Iranian Law*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

مطالعه تطبیقی شرکت در فقه با شرکت‌های تجاری در حقوق ایران

ابوالفضل نصیری^۱، ناصر افضل نژاد^۲، حسن اسدی^۳

۱. دانشجوی دکتری، رشته الهیات فقه حقوق اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین- پیشوا، تهران، ایران.
۳. استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
زمینه و هدف: از آنجا که شرکت و مباحث مربوط به آن یکی از مهم ترین مباحث مطروحه در حقوق مدنی و حقوق تجارت می باشد. مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است. ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است. یافته‌ها: بیشتر فقهای امامیه با توجه به ادله‌های چون اجماع، تملیک معدوم، غرر، و عدم دلیل بر مشروعیت شرکتهای اعمال، مفاوضه و وجوه، قائل به بطلان شرکتهای مزبور شده و راهکارهایی مانند صلح را برای مشروعیت بخشیدن به این قراردادها پیشنهاد کرده‌اند که نه تنها پذیرفتنی نیست بلکه نیازی به این قبیل چارچوبی‌ها نیز وجود ندارد؛ زیرا در میان مردم، این نوع شرکتهای مرسوم است و دلیلی قاطع بر بطلان آنها وجود ندارد. از دید عرف، دلیلی خردپسند بر بطلان این عقود وجود ندارد. قانون مدنی در این زمینه حکم خاصی ندارد ولی برخی حقوقدانان تمایل به صحت این تعهدات دارند نتیجه: با فحص در کلام فقها بدین نتیجه رسیدیم که اجماع ادعایی تردید است و برخی صاحب نظران باور به صحت این عقود دارند. دلایل دیگر نیز همگی تردیدآمیز و مناقشه برانگیزند. پس می‌توان با توجه به عرف که پایه و اساس معاملات در فقه اسلامی است، حکم به صحت این شراکتهای نمود و به راهکارهایی نظیر صلح و وکالت روی نیازورد.	نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۷۹-۹۲ سابقه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۵ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ واژگان کلیدی: شرکت، قانون تجارت، عقد فقهی، شرکت در فقه. نویسنده مسئول: ناصر افضل نژاد آدرس پستی: ایران، تهران، واحد ورامین- پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی. تلفن: 02136725011 کد ارکید: 00009-0001-5155-2943 پست الکترونیک:

۱. مقدمه

از جمله موضوعات مورد بحث در کتب فقهی و حقوقی، موضوع شرکت می‌باشد که با توجه به نقش و جایگاه شرکت‌ها در زندگی روزمره اجتماعی، بازبینی قوانین شرکت‌های تجاری براساس مبانی فقهی ضروری می‌نماید از آنجا که شرکت و مباحث مربوط به آن یکی از مهم‌ترین مباحث مطروحه در حقوق مدنی و حقوق تجارت می‌باشد،

با استناد به قانون تجارت که مبنای اصلی فعالیتهای شرکتها از زمان تاسیس تا انحلال می‌باشد، و شرکت‌های تجاری با داشتن قانون مدون، تنوع و تقسیم بندی شرکتها با استناد به ماده ۲۰ قانون تجارت^۱، وجود اداره‌ای مجزا، داشتن یک سازمان و سیستم منظم در آن وجود دارد. فقها نیز در باب متاجر فقه در مورد شرکت بصورت کلی و عمومی متفرق بحث نموده‌اند در این مقاله در پی آن هستیم تا شرکت در فقه را با شرکت‌های تجاری در حقوق ایران تطبیق دهیم پیشینه تحقیق مقاله‌ای با عنوان ماهیت حقوقی شرکت‌های مدنی و تجاری نوشته آقای امیر صادقی نشاط در فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی زمستان ۱۳۹۷ شماره ۱ مفصل در مورد ماهیت آنها بحث کرده؛ اما در مورد ماهیت آن در فقه بحثی نشده و مقاله بازخوانی فقهی و حقوقی اعمال مفاضه و جوه در فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی نوشته سیاوش گودرزی و محمدرضا علمی سولا در شماره ۱۲ پاییز ورمستان چاپ شده در هردو مقاله از بحث ماهیت و بصورت تطبیقی خالی است که در این تحقیق مادر مقام پاسخ به این سوال اصلی هستیم که ماهیت و چیستی شرکت‌های تجاری با شرکت‌های فقهی چگونه است و آیا شرکت‌های

تجاری در قانون تجارت با شرکت‌های فقه منطبق می‌باشد.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها:

شرکت در فقه به «واقعی قهری»، «واقعی اختیاری»؛ ۳- «ظاهری قهری»، «۴-ظاهری اختیاری»، مانند مزج اختیاری دو مال ولی بدون قصد شرکت؛ «۵-واقعی مستند به غیر از عقد شرکت»، «۶-واقعی مستند به تشریک»، مانند تشریک مال با دیگری یا دو مالک با یکدیگر، هبه هنوز عقیده مشهور میان فقهای امامیه این است که شرکت بر اثر امتزاج اموال به وجود می‌آید

۵. بحث

۵-۱. مفاهیم

لغت‌شناسان در تبیین معنای «شرکت» از واژه‌هایی کم و بیش مترادف بهره برده‌اند، چنان که آمده است "شرکه" و "شرکت" هر دو به معنای «مخلوط نمودن» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۰/۴۴۸؛ حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳/۵۹۱) «معنای شرکت» «و مشارکت» مخلوط و ممزوج نمودن دو مال است. همچنین، «شرکت» بدین معنا است که یک شیء متعلق به دو یا چند نفر باشد.

فاضل مقداد، ابن فهد حلی، علامه حلی محقق حلی صاحب ریاض ضی، دیگر از فقیهان

تبدیل به موسسه می‌شود، بعضی هم گفته‌اند همزمان می‌شود هم قرارداد باشد و هم موسسه.

۵-۳. عناصر تشکیل دهنده شرکت

بیش از یک نفر بر مبنای اجتماع (الف) اجتماع حقوق مالکان متعدد: شرکت تشکیل می‌گردد. (ب) حقوق: در ماده ۵۷۲ قانون مدنی، حقوق عبارت است از هر نوع حقی مانند حق مالکیت، حق انتفاع، حق شفعه، حق ارتفاق و حق تمتع، البته به شرط آنکه از یک نوع باشند؛ مانند آنکه دو نفر نسبت به زمینی، حق شفعه داشته باشند یا اینکه دو نفر بالاشتراک در خانه‌ای حق سکونت داشته باشند. بنابراین اگر یکی از این دو نفر حق منافع باشد، این دو مالکیت داشته باشد و دیگری ملک را اجاره کرده باشد و مالک شریک نخواهند بود. (ج) شیء: واحد برای تحقق شرکت، اجتماع حقوق شرکا باید در یک شیء باشد؛ مثلاً دو یا چند نفر در موضوع شرکت ممکن یک باغ یا یکدیگر شریک باشند. شیء است مال غیر منقول (زمین، ویلا)، منقول (فرش، اتومبیل)، حق (حق ارتفاق، حق فک بازخوانی... مفاوضه‌های اعمال، شرکت حقوقی ۱۰۱ شفعه)، منفعت (اجاره منزل، محصول باغ) باشد (حسینی تهرانی، ۱۳۶۵: ۷ ش ۳۳) شرکت به نحو مفروض باشد، (د) مشاع بودن: نباید حق‌الشرکه شرکا در مال موضوع بلکه تمام شرکا در تمامی اجزا سهیم‌اند و نمی‌توان مشخص کرد که کدام بخش متعلق تصرف به کدام یک از شرکاست. همچنین هیچ‌کدام از شرکا بدون اجازه دیگران حق در اموال را ندارد (ماده ۵۸۱ ق.م.)

۵-۴. تقسیم شرکت در فقه

۱- «واقعی قهری»، مانند مالی زمین که به ارث به چند نفر منتقل می‌شود؛ ۲- «واقعی

با اندک تغییر در الفاظ عقد شرکت را چنین تعریف می‌کنند: «الشرکه اجتماع حقوق الملا، ۱۳۸۷: ۲/۲۹۸؛ سیوری قواعد الاحکام، ۱۴۱۳: ۲/۲۹۸؛ فخرالمحققین حلی ۲/۱۰۵؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴/۳۰۱؛ ۱۴۰۴ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۹/۳۱۶؛ در قانون مدنی نیز همین تعریف فقه بیان شده است.

۵-۲. تعریف اصطلاحی

«شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکان متعدّد اشاعه». شرکت در حقوق مدنی در دو معنای عام و خاص به کار رفته است. شرکت خود را برای در معنای عام، بدین معناست که طرفین به موجب عقدی سرمایه یا کار رسیدن به سودی معین جمع می‌کنند. شرکت در این معنا وسعت و شمول دارد و عقود مانند مضاربه، مزارعه و مساقات را در بر می‌گیرد. ولی شرکت در معنای خاص، یکی از عقود معین است که همراه با اشاعه در حق مالکیت ایجاد می‌شود.

قراردادی که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه مستقلی که از جمع شدن آورده‌های آنها تشکیل می‌شود ایجاد کنند، و آن را به موسسه‌ای که برای انجام مقاصد خاصی تشکیل می‌گردد اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های حاصل از به کارگیری آن سهیم باشند. در تعریف شرکت تجارتی کلمه «قرارداد» و کلمه «موسسه» آمده، است بین صاحب نظران اختلاف است آیا این شرکت، عقد است یا موسسه و نظام حقوقی است؟

بعضی می‌گویند این شرکت قرارداد است، و بعضی می‌گویند شرکت تجارتی موسسه است نه قرارداد، نظر سومی می‌گوید در ابتدا قرارداد است و بعداً

۵-۴-۱. ماهیت شرکتهای تجاری

آنهايي که گفته‌اند این شرکت قرارداد نیست بلکه موسسه است وجوهی را اقامه کرده‌اند:

۱- وجه اول آنها این است که اینجا مصالح با هم تعارض ندارند، تعارض مصلحت وجود ندارد، تعبیر عربی آن «انعدام التناقض المصلحي» است، در قراردادهای منافع در مقابل هم است مثل بایع و مشتری، موجر و مستاجر. اما در بحث شرکتهای تجاری مثل شرکت سهامی و غیره تشکیل می‌دهند تناقض منافی در کار نیست تا بگوییم قرارداد است.

۲- وجه دوم بعد از اینکه اقدام کردند و شرکت تجاری را ثبت کردند یک شخصیت حقوقی برای آن پیدا می‌شود طبق نظر همه حقوقدانها، اما در شرکتهای مدنی اکثراً قائل‌اند که شخصیت حقوقی حاصل نمی‌شود. شخصیت حقوقی برای خودش مستقل است، طلبکار می‌شود، بدهکار می‌شود، چیزی را به ذمه می‌گیرد، تعهد می‌دهد، مالک می‌شود و طرف محکمه می‌شود و... لذا اینجا یک چیز جدیدی ایجاد شده است نه قرارداد و عقد است بین دو یا چند نفر. آن مسئولیت‌هایی که می‌شود بر آن بار کرد همه را شرکت تجاری دارد.

برخی از قوانینی که در کشورهای مختلف است اینها اعتراف دارند به شرکت تجاری که یک نفر آن را تشکیل داده است که دیگر این مورد قرارداد نیست.

البته ظاهراً در قانون تجارت ایران هنوز این مورد پذیرش واقع نشده است که یک نفر بتواند شرکت تجاری تشکیل دهد، اما در کشورهای مختلف این مورد پذیرش است که یک نفر بتواند یک شرکت تجاری تشکیل دهد، لذا قرارداد نیست بلکه موسسه است.

اختیاری»، مانند احیای مشترک دو نفر بدون اختیار آن دو، با هم موات یا کندن چاه؛ ۳- «ظاهری قهری»، مانند آنکه مال مخلوط شود، به طوری که نتوان آن دو مال را از هم جدا کرد و لوبه وسیله عمل غیر؛ ۴- «ظاهری اختیاری»، مانند مزج اختیاری دو مال ولی بدون قصد شرکت؛ ۵- «واقعی مستند به غیر از عقد شرکت»، مانند خرید مالی به طور مشترک؛ ۶- «واقعی مستند به تشریک»، مانند تشریک مال با دیگری یا دو مالک با یکدیگر، به وسیله انشای عقد شرکت. ایشان این نوع عقد را شرکت عقدی می‌نامد و بر خلاف دیگران حتی امتزاج اموال را نیز ضروری نمی‌بیند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/۶۹۷). البته هنوز عقیده مشهور میان فقهای امامیه این است که شرکت بر اثر امتزاج اموال به وجود می‌آید (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹: ۳/۲۰۰؛ همین دیدگاه را، ۱۴۱۰: ۲/۳۹۹). نویسندگان حقوق مدنی نیز غالباً ابن ادریس حلی پذیرفته‌اند و معتقد شدند که برکت بر اثر امتزاج به وجود می‌آید (امامی، بی‌تا: ۲/۱۳۰). مصطفی عدل این سؤال را مطرح می‌کند که آیا شرکت وجودی مستقل دارد؟ وی با تحلیلی که از دیدگاههای علما و مواد قانون مدنی انجام می‌دهد، با تردید نتیجه می‌گیرد که عقد شرکت به منظور ایجاد اشاعه در مالکیت چند مال، نفوذ حقوقی دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۵). با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی که توافق اراده‌ها را در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ می‌داند، می‌توان به صحت این نوع قراردادهای حکم کرد. انواع شرکت فقهای امامیه چهار قسم شرکت را بیان نموده‌اند:

۱-۳ وجه سوم: این است که گفته‌اند مشرع و قانونگذار با احکام خودش و با قوانین خودش می‌آید آن روابط و تصرفاتی که در شرکت‌ها وجود دارد را مشخص می‌کند اصلاً قرارداد نیست تا در اختیار افراد باشد، قرارداد این است که شما اعمال قرارداد بکنی، حال آنکه آنجا اعمال اراده‌ای نیست. فوقش این است که گفته‌اند اگر شما قوانین را بپذیری شرکت ایجاد می‌شود و شما هم می‌گوی من قبول دارم و تمام می‌شود و شرکت ایجاد می‌شود، بیشتر از این اعمال اراده‌ای وجود ندارد.

۱-۴ این قراردادهایی که شرکت‌های آب و برق و تلفن و اینها می‌آیند و می‌گویند امضا کن، اینها اصلاً قرارداد نیستند، قرارداد این است که شما یک چیزی را بتوانی کم و زیاد بکنی. در اینجا قانون تجارت است که دارد مسیر را مشخص می‌کند نه شما. لذا عده‌ای از دانشمندان قائلند شرکت‌های تجاری موسسه‌اند نه قرارداد.

۱- بررسی قول اول: در مقابل این نظریه عده‌ای بسیاری از حقوقدانان که نظرشان هم مشهور است شرکت تجاری را قرارداد می‌دانند نه موسسه. در تعریف «سنهوری» که یک حقوقدان برجسته از عالم عرب است هم کلمه عقد آمده است، نیازی به استدلال ندارند چون چند نفر می‌آیند یک قراردادی را انجام می‌دهند و امضا می‌کنند، این یعنی عقد است.

۲- بررسی قول دوم: این است که شرکت تجاری در ابتدا قرارداد است و در ادامه تبدیل به موسسه می‌شود، در ابتدایی که شروع می‌شود افراد قرارداد دارند و سهام را مشخص می‌کنند ولی وقتی رفتند ثبت کردند و شخصیت حقوقی پیدا کرد تبدیل به موسسه می‌شود.

بررسی قول سوم این شرکت تبدیل نمی‌شود به موسسه بلکه هر دو خصوصیت را دارد یعنی از جهاتی قرارداد است و از جهاتی موسسه است. به نظر ما ابتدایش قرارداد است و بعداً تبدیل به موسسه می‌شود این اقرب به واقع است، یعنی این شرکت‌های تجاری در ابتدا قرارداد هستند و بعداً به موسسه تبدیل می‌شود.

اینکه اشکال کرده‌اند و گفته‌اند تعارض منافی وجود ندارد، در همه جا شرط نیست در قراردادها تعارض منافع وجود داشته باشد، در شرکت‌های مدنی هم همیشه تعارض منافع وجود ندارد، عقد عقد است. لذا در ادامه این شرکت‌های تجاری ماهیتشان عوض می‌شود و تبدیل به موسسه می‌شوند، حداقل در برخی از شرکت‌های تجاری این چنین است.

اگر گفتید ابتدای آن قرارداد است و بعداً موسسه می‌شود و یا از اول موسسه است، مشروعیت چنین شرکت‌های تجاری چگونه است، اگر قرارداد باشد «وفوا بالعقود» اینها را می‌گیرد ولی اگر از قرارداد بودن خارج شد به چه دلیلی شرعیت می‌یابد؟ به چه دلیلی می‌گویید اکل مال در این شرکت‌ها حلال است؟

ادله «تجارة عن تراض» اینجا را می‌گیرد، درست است عقد نیست و به دلیل «وفوا بالعقود» نمی‌شود تمسک کنیم، ولی به عموماتی دیگر مثل دلیل «تجارة عن تراض» می‌شود تمسک کرد، شارع فرموده است هر تجارتی جایز است و این مورد هم تجارت است، ممکن است اشکال بکنید این غرری است، چون وقتی توافق می‌کنند و بعداً موسسه می‌شود وقوانین قانون تجارت بر این موارد حاکم می‌شود، معلوم نیست به این سهامدار و شریک چی خواهد رسید؟ ضرر می‌کند یا سود می‌کند، معلوم نیست. قرارداد باشد

مسیر روشن است ولی چون قرارداد نیست غرری می شود و در روایات وارد شده: نهی النبی (ص) «عن الغرر أو عن بيع الغرر» لذا باطل است.

اصل مشروعیت را اگر بپذیریم غرر در جایی است که غیر عقلایی باشد ولی اگر عقلاً بگویند اینجا غرر صدق نمی کند اگرچه احتمالش باشد، مثلاً انسان خرید و فروش بکند ولی قیمت را تعیین نکند این باطل است چون غرری است ولی اگر خرید و فروش بکند به شرطی که کارشناس قیمت آن را معین بکند این صحیح است اگرچه برخی این را هم باطل دانسته اند.

پس هر مجهولیتی ضرر آفرین نیست، در اینجا هم درست است جهلی وجود دارد ولی غرر صدق نمی کند، چون عقلاً می گویند در این موارد قانون چهارچوب را مشخص کرده است، هیئت عمومی ممکن است تصمیماتی بگیرند که به ضرر من باشد یا به سود من باشد، ممکن است تعهداتی را به عهده من بگذارند، معلوم نیست، ولی چون در چهارچوب قانون است عقلاً آنرا می پذیرند و آن را غرری نمی دانند، چون چهارچوبش مشخص است. ولایت فقیه ولایت دارد به اموال اشخاص از جهت اجتماعی، از این ولایتی که بر اموال افراد دارد استفاده می کند شما وقتی وارد این نظام اجتماعی شدید ما در اموال تان این گونه تصرفات را خواهیم کرد. این هم یک راه است.

جواب سوم این است که رای اکثریت قائم مقام نظر همه است و این را عقلاً پذیرفته اند، و نیازی نیست که همه در تمام امور شرکت نظر بدهند، این کار را به هیئت مدیره شرکت واگذار کرده اند و رأی اکثریت رأی همه است و راهی به غیر این راه، برای اداره نظام اجتماعی وجود ندارد والا باید اکثر کارهای اجتماعی صورت نگیرد، لذا امور به

اکثریت واگذار می شود چون در خیلی جاها اتفاق نظر صورت نمی گیرد، لذا راه اکثریت ملاک است. شرکا به هیئت مدیره یا اکثریت وکالت می دهند که امور را به پیش ببرند. ولی راه وکالت اشکالش این است که عقد جایز است در حالی که اگر کسی وارد شرکت بشود تا آخر باید باشد و لازم است و جایز نیست، تا مادامی که در این شرکت است دیگر نمی تواند تغییری بدهد،

شرکت های تجاری که قانون جمهوری اسلامی ایران آنها را پذیرفته است هفت مورد است، اولاً شرکت های تجاری را به دو قسم تقسیم می شود یکی شرکت اموال و دیگری شرکت اشخاص، و سه مورد از آن هفت مورد داخل در شرکت اموال است و بقیه هم داخل در شرکت اشخاص است. ماهیت برخی از باب شرکت اموال است و برخی از باب شرکت اشخاص و در حقیقت شرکت اموال آن چیزی است که زندگی مدرن آن را ایجاد کرده است در حالی که شرکت اشخاص زیاد خصوصیتی ندارد، شرکت اموال مثل شرکت سهام عام و خاص و... است که در طول زمان ایجاد شده اند و عمده بحث هم درباره آنهاست و سرکار با اموال است و کاری به اشخاص ندارند، ما شرکت را با اموالش می شناسیم و نه سهامداران، که دائماً ممکن است تغییر کنند، اموال در اینجا پر رنگ است. شرکت های اموال مال محور هستند نه شخص محور.

۵-۵. اقسام شرکت در قانون معدنی

۱- شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص، قانون این دو را با هم جمع کرده و یک قسم قرار داده است ۲- شرکت با مسئولیت محدود. این سه شرکت در واقع شرکت اموال هستند و بعد از این بقیه شرکت اشخاص اند. ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیر سهامی ۵- شرکت مختلط

سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

لذا ما هفت نوع شرکت تجاری داریم و اگر اولی را دوتا حساب کنیم می‌شود هشت شرکت. این شرکت‌ها ممکن است در جزئیات احکام خود در کشورهای مختلف با هم فرق داشته باشند.

۵-۶. اقسام شرکت از منظر فقهی

انواع شرکت از منظر فقهی به شرح زیر می‌باشند:

۱- شرکت در دیون

شرکت در دیون «لو کان لكل منهما دين علی شخص فاقوعا علی کون کل منهما بينهما» بگوید من در طلب تو شریکم از فلانی، تو هم در طلب من شریک باش از فلانی! و به این صورت هماهنگ می‌شویم هر چه برداشتیم نصف نصف برداریم. یعنی عینی در خارج نیست؛ منفعتی در خارج نیست؛ چنین شرکتی صحیح نیست.

۲- شرکت در منافع

زن و شوهر هر کدام مالک خانه‌ای مستقل هستند تصمیم می‌گیرند هر چه از این دو خانه به دست آوردند بیاورند خانه و مشترک باشد شرکت در منافع؛ می‌گویند که اینهم باطل است. می‌توانند بعد که منافع را گرفتند مصالحه کنند. یا می‌توانند با هم خرج کنند ... این اشکال ندارد اما اینکه قراری بگذارند که از این تاریخ به بعد، اجاره‌ای که من می‌گیرم با تو مشترک باشد؛ واقعا به صورت ملک مشترک، جایز نیست.

۳- شرکت عنان (شرکت در اموال) در وجه تسمیه این نوع شرکت به «عنان» گفته شده است: گویی این شرکت در جلوگیری از فسخ یکسویه طرفین و تصرف هر کدام در اموال، همانند عنان که چهارپا را مهار می‌کند، قدرت کنترل و بازدارندگی دارد، (عاملی جبعی، ۱۴۱۲: ۳۷۸) تعبیر به «شرکت اعیان» نموده است شرکت

عنان در اصطلاح فقهی آن است که دو یا چند نفر به موجب امتزاج و یا عقد شرکت، در اموال با هم شریک شوند؛ خواه در پول نقد باشد و یا اجناس. برخی فقهای امامیه معتقدند که شرکت عنان کدام از یک فقط در اعیان صحیح است نه در دیون و منافع؛ مثلا دو شخص که هر نفر طلبی داشته باشند، نمی‌توانند به وسیله عقد شرکت قرار بگذارند که آنچه از مدیون وصول می‌نمایند میانشان مشترک باشد. نیز صحیح نیست دو نفر که هر یک منزلی دارند، بخواهند به وسیله عقد، منفعت هر دو خانه میانشان مشترک باشد. اگرچه از دید اینان می‌توان از طریق عقد صلح این عمل را انجام داد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/۶۹۷) در کلام دیگران چنین قیدی دیده نمی‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا: ۱/۶۲۴؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/۳۹۹) اما از نظر قانون مدنی مانعی ندارد که شرکت زیر اشاعه در ملکیت می‌تواند بر مبنای عقد شرکت ایجاد شود و نیازی به امتزاج یا انعقاد صلح و یا عقد تملیکی دیگر نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۶۳۱)

۳- شرکت عنان

شرکت عنان یا شركة العنان به این معنی که دو نفر ماشینی می‌خرند و با آن کار می‌کنند. ماشین شریک و منافع هم به نسبت شریک و یا دو نفر خانه‌ای را می‌خرند، به نسبت اجاره‌اش را تقسیم می‌کنند. اینکه چرا به شرکت عنان این نام تعلق گرفته شهید ثانی ۶ وجه را بیان کرده است؛ گفته عنان یعنی افسار؛ چون حیوان را که افسار می‌زنند دیگر به همین شکل تحت انقیاد هست تا جلو برود.

۴- شرکت در اعمال و ابدان

شرکت اعمال: از این نوع شرکت تعبیر به «شرکت ابدان» نیز نموده‌اند. شرکت اعمال عبارت از آن است که دو یا چند نفر به موجب عقدی قرار بگذارند که در اجرت کار خویش مشترک باشند؛ چه هر دو مشغول به یک شغل باشند و چه این قرارداد برای شغلی معین باشد و یا غیر آن (حکیم، ۱۴۱۶: ۱۳/۱۶ جعی عاملی، ۱۴۱۲: ۱/۳۷۸)

۵- شرکت وجوه یا شرکت آبرو

شرکت وجوه: این شرکت بدین معناست که دو یا چند نفر که سرمایه ای ندارند، اموالی را به صورت نسیه بخرند و پس از فروش آن، در سودش شریک باشند (طوسی، ۱۴۲۰: ۳/۲۲۷). معانی دیگر این شرکت عبارت‌اند از: الف) از مشهورترین معانی شرکت هرکدام اموالی را به نسیه بخرند و توافق کنند که آن مال مشترک باشد. سپس اموال را به فروش برسانند و سود آن را میان خود تقسیم کنند (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۲: ۱۰۵) ب) کسی که دارای وجاهت است مالی را به ذمه بخرد و کسی که شناخته شده نیست آن را به فروش برساند و سودش میانشان مشترک باشد. ج) فردی که دارای وجاهت است ولی مالی ندارد و کسی که دارای وجاهت نیست ولی مال دارد، با هم قرار بگذارند که سرمایه در اختیار فرد فاقد وجاهت باقی باشد و آنچه از سود به دست می‌آورند، میانشان حسب قرارداد تقسیم گردد (عاملی، ۱۳۸۷: ۲/۲۹۹؛ جبل عاملی، ۱۴۱۲: ۱/۳۷۸؛ فخرالمحققین حلی) د) شخصی که دارای وجاهت است، مال شخص فاقد وجاهت را بفروشد و سود آن میانشان مشترک باشد (حلی، ۱۴۰۷: ۲/۵۴۵).

۶- شرکت مفاوضه

شرکت مفاوضه: این نوع شرکت بدین معناست که دو یا چند نفر قراردادی بدین نحو منعقد نمایند که هر آنچه از راه کسب و کار، ارث، لقطه، احیای موات یا ... به دست می‌آورند و همچنین ضرری که بر آنها وارد می‌شود، از قبیل ارش جنایت، قیمت مالی که یکی تلف کند، همه میانشان مشترک باشد (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۰/۱۹۱؛ عاملی جعی، ۱۴۱۳: ۴/۳۰۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ۱۹/۲۵۷) مشهور فقهای امامیه معتقدند که شرکت باید در مال باشد (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/۶۹۹؛ طرفین، دو مال را با هم بیامیزند و هر کدام به دیگری اجازه تصرف در آن مثلاً را بدهد. فقهای عظام از این نوع شرکت تعبیر به شرکت عنان می‌نمایند. اینان تنها این نوع شرکت را معتبر می‌دانند و شرکت‌های اعمال، وجوه و مفاوضه را باطل می‌دانند (عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۳). لذا سید یزدی چندین حالت را نقل می‌کند که ذیل شرکت جای نمی‌گیرند؛ مثلاً اگر دو هر کدام مشترک میانشان باشد را بنمایند که اجرت عمل نفر با هم به موجب عقدی مقر یا هر گاه دو نفر صاحب خانه‌های باشند و بخواهند به سبب عقد شرکت در منفعت خانه مشترک باشند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۲/۶۹۹). به نظر می‌رسد قراردادهای مذکور، در ۱۲ شماره / ۱۳۹۴ - زمستان / فقه مدنی آموزه ۱۰۴ عرف پذیرفته شده است و به آن عمل می‌شود، اما فقهای امامیه صرفاً شرکت عنان را معتبر می‌دانند. از آنجا که عرف، شرکت‌های مزبور را می‌پسندد و آن را در میان خود به کار می‌گیرد، فقها در پی راه‌حلهایی برای مشروعیت بخشیدن به این رفتار عرفی برآمدند. در ادامه، به چند نمونه اشاره می‌شود: الف) اگر دو نفر می‌خواهند آنچه از

راه دادوستد به دست می‌آورند، میانشان مشاع باشد، هر کدام باید به دیگری وکالت در فروش بدهد (همان). ب) یکی از طرفین نصف منفعتی را که به دست آورده است، به نیمی از منفعت به دیگری صلح کند. طرف مقابل نیز منفعت خود را به همان مقدار به طرف مقابل صلح کند (همان) ج) اگر دو نفر عملی را با یکدیگر انجام دهند ولی میزان اجرت آن دو قابل تمیز از یکدیگر نباشد، عدهای گفته‌اند که اجرت میانشان به تساوی تقسیم می‌شود و برخی دیگر فرموده‌اند که برای رعایت احتیاط، با هم صلح کنند (کرکی عاملی، ۱۴۱۴: ۸/۱۸؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳: ۴/۳۰۵). د) اگر در ضمن عقد خارج لازمی دو عامل باهم شرط کنند که هر کدام نیمی از اجرت کار خود را به دیگری بدهد، عمل به این شرط لازم است و باید اجرت تقسیم شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۱). چندان مورد توجه مردم در بازار قرار اما به نظر می‌رسد این نمونه‌ها برای رفع مشکل نمی‌گیرد. بنابراین شاید بتوان گفت که چرا هنگامی که دلیلی پذیرفتنی بر بطلان این عقود وجود ندارد، با باطل دانستن آن ناچار به چاره‌جویی برای تصحیح آنها برآییم؟ از سوی دیگر، این گونه عقود همانند ربا نیستند که دلیل قطعی بر حرمت در آن موجود نیاز به استفاده از حیل شرعی باشد.

۷- عروه شرکت را از سه جهت تقسیم کرد

از جهت متعلق، از جهت منشا پیدایش و از جهت کیفیت؛ آیا شرکتی که ما در فقه داریم همان شرکت در اصطلاح معاصر است؟ این کار یک کار مفهوم شناسانه است؛ در قانون مدنی ما از ماده ۵۷۱، بحث شرکت را مطرح می‌کند، ماده این است: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه»؛ یعنی

قانون گذار ما در قانون مدنی، شرکت را به این معنا گرفته، آیا شرکت امروز هم همین است؟ مثلاً می‌گوییم شرکت ایران خودرو ... شرکت فولاد، شرکت کشتی رانی ... شرکت هواپیمایی ... وقتی که فقه را نگاه می‌کنیم، یا حقوق را نگاه می‌کنیم، اینجوری می‌گویند از طرفی هم استعمالات را نگاه می‌کنیم، شرکت فقهی، شرکت به یک پدیده که دارای شخصیت حقوقی است، تفسیر نمی‌شود. تفسیر به مصدر یا اسم مصدر می‌شود. فقیه شرکت را به «کون الشیء ...» تفسیر می‌کند یا قانون مدنی ما که می‌گوید اجتماع، این را از تعریف مشهور فقها گرفته است. با این وجود اینکه بررسییم شرکت مالک است یا نه؟ یا اینکه شرکت مسئولیت دارد یا نه باید بینیم آیا منظور همین شرکتی است که در فقه ماست و براساس «کون الشیء ...» تعریف شده؟

در تحریر الوسیله، و منهاج الصالحین، شرکت با مشخصه شرکتی که شخصیت حقوقی و احکام خاص خود را دارد، مواجه نمی‌شوید. اما وقتی پای اصطلاحات روز به میان می‌آید و اسم شرکت برده می‌شود، می‌بینیم که از یک شخصیت حقوقی صحبت می‌شود. یعنی یک مجموعه‌ای در نظر گرفته می‌شود که این مجموعه، سهامدارانی دارد، شما نمی‌توانید شرکتی را در نظر بگیرید بدون مالکان.

شرکت فقهی یک مصدر است؛ شرکت اقتصادی امروز؛ شرکت تجاری، با اقسامی که شرکت تجاری دارد، اینها مثل فقه دیگر مصدر و اسم مصدر نیست؛ یک شخصیت حقوقی است. که به قول قانون‌گذار ما در ماده ۵۸۸ قانون تجارت، تمام احکام یک شخص حقیقی را دارد؛ البته ما استثنائاتی هم بر آن زدیم و این غیر از آن است.

ماده ۵۷۱ قانون مدنی ما می‌گوید: شرکت عبارت است از اجتماع حقوق ... همان که صاحب عروه گفته: کون الشئ ... بعد قانون مدنی می‌آید می‌گوید شرکت یا اختیاری است یا قهری ... گاهی بالعقد است و گاهی لا بالعقد است؛ همان حرف‌های صاحب عروه بعد می‌آید ماده ۵۷۹ می‌گوید اگر اداره شرکت، به عهده شرکای متعدد باشد.

این تعریف در واقع سوق داده شده به طرف تعریف شرکت به معنای روز آن ... و لذا در ماده ۵۸۰ بحث مدیران شرکت را مطرح می‌کند. در شرکت دارای شخصیت حقوقی مدیر داریم، هیأت مدیره داریم ... عامل داریم هیأت موسس داریم.

۶. نتیجه

یکی از بزرگترین شرکتهای سهامی عام در دنیا شرکت سهامی عام حضرت یوسف (علیه السلام) بود که در قرآن و تفاسیر به آن اشاره شده است و در آن تقریباً تمام مردم مصر سهامدار شرکت محصولات کشاورزی شدند و سود بردند ساختار شرکت‌های سهامی با شرکت‌های فقهی متفاوت است و نسبتی ندارند. اختلاف‌های زیادی درباره شرکت‌های سهامی و شرکت‌های فقهی شناسائی شده است که از آن جمله می‌توان به عدم تعهد شرکت‌های سهامی نسبت به قرض و دیون اشاره کرد در حالی که در شرکت‌های فقهی اینگونه نیست و سهامداران به تناسب سهم و تعهد خود باید بدهی‌ها و دیون را پرداخت کنند. شرکت نسبی را باید نزدیک‌ترین شرکت تجاری به شرکت فقهی دانست، زیرا با اندک مسامحه می‌توان گفت تنها وجه امتیاز این دو، فرض شخصیت حقوقی برای شرکت نسبی است. شرکت نسبی یکی از شرکتهای تجاری در قانون تجارت است که مختص حقوق ایران است و در حقوق

کشورهای اروپایی چنین شرکتی دیده نمی‌شود. قواعد این شرکت مطابقت زیادی با حقوق و فقه اسلام دارد و در واقع تلفیقی است از قواعد حقوق مدنی و قواعد حقوق تجارت. در واقع، از تلفیق مواد ۱۸۵ و ۱۸۹ قانون تجارت می‌توان به این نکته پی برد که شرکتهای نسبی با شرکت تضامنی دارای نقاط مشترک است.

به نظر می‌رسد در تدوین قانون تجارت وقوانین و مقررات ثبت شرکتها در نظام جمهوری اسلامی، علیرغم تاکید قانون اساسی، مباحث شرکت در فقه اسلامی دیده نشده است و این نقصان در بوجود آمدن مشکلات نقش بسزایی داشته است. فلذا یکی از ملاکهای مهم در قوانین و مقررات، تأسیس شرکتها و موسسات غیر تجاری و همچنین نحوه فعالیت آنها باید فقه اسلامی باشد. در مباحثی مانند ثبت، تاسیس و تغییرات شرکتها و موسسات در مقایسه با احکام و نظریات شرکت در فقه اسلامی وجوه تمایز و اختلاف یافت می‌شود و بازنگری و تطبیق در قوانین جاری که بر مبنای قانون تجارت می‌باشد، ضروری می‌نماید. ور به نقش شرکتها در ثبات اقتصادی و سلامت کشور و اهمیت آن در زندگی مردم این هدف را می‌توان از اهداف متعالی و قانونی شمرد که همه مردم مستقیم و غیر مستقیم با آن مرتبط هستند و تا به حال مغفول مانده است. بیشتر فقهای امامیه با توجه به ادلهای چون اجماع، تملیک معدوم، غرر، و عدم دلیل بر مشروعیت شرکتهای اعمال، مفاوضه و وجوه، قائل به بطلان شرکتهای مزبور شده و راهکارهایی مانند صلح را برای مشروعیت بخشیدن به این قراردادها پیشنهاد کرده‌اند که نه تنها پذیرفتنی نیست بلکه نیازی به این قبیل چاره جوییها نیز وجود ندارد؛ زیرا در میان مردم، این نوع شرکتها

مرسوم است و دلیلی قاطع بر بطلان آنها وجود ندارد. از دید عرف، دلیلی خردپسند بر بطلان این عقود وجود ندارد. قانون مدنی در این زمینه حکم خاصی ندارد ولی برخی حقوقدانان تمایل به صحت این تعهدات دارند. در مقاله برخی فقها محل حاضر، با فحص در کلام فقها بدین نتیجه رسیدیم که اجماع ادعایی تردید است و برخی صاحب نظران باور به صحت این عقود دارند. دلایل دیگر نیز همگی تردیدآمیز و مناقشه برانگیزند. پس می‌توان با توجه به عرف که پایه و اساس معاملات در فقه اسلامی است، حکم به صحت این شراکتها نمود و به راهکارهایی نظیر صلح و وکالت روی نیاورد.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در این پژوهش به صورت مساوی مشارکت دارند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثیر، قم، اسماعیلیان، بی تا، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر
- ابن ادرسی حلی انتشارات اسلام، ۱۴۱۰ ق. المهدی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، یب روت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق. ب. البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات ی، جمال الدین احمد بن محمد، المهدی.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامی، بیتا
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکامالعترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ ق
- حائری طباطبایی ی، س دعلی بن محمد، ریاضالمسائل، قم، آل الب تی، ۱۴۱۸ ق. محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البیت،
- حسینی تهرانی، سیدمرتضی، «شرکت و مفاهیم آن و مختصات شرکت مدنی»، فصلنامه حق (مطالعات حقوقی وقضایی)، ۷، شمار ۱۳۶۵، ش
- حسینی حلی، سیدحمزه بن علی بن زهره، غنیة النزوع الی علمی الاصول والفروع، بیجا، ۱۴۱۷ ق
- حسینی واسطی زبیدی، سیدمحمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق
- حکیم، سیدمحسن، هُستمسک العرو الوثقی، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق.
- راغب اصفهانی ی، حسن بن محمد، مفردات القرآنلفاظ، لبنان، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- (فاضل مقداد)، جمال الدین مقداد بن عبداللّه، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، قم،
- سیوری حلی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق. ۲۱. الشریف المرتضی علمالهدی، علی بن حسین، الانتصار فی انفرادات الامامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، العروة الوثقی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق
- -----، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ ق
- عاملی، محمد بن مکی، اللعنة دمشقیه، بیروت، دار التراث - الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق. ۲۷.

- عاملی جبعی، زینالدین بن علی،
الروضه البهیة فی شرح اللمعة
الدمشقیه، قم، دفتر انتشارات
اسلامی، ۱۴۱۲ ق. وفق بازخوانی ...
مفاوضه های اعمال، شرکت حقوقی -
هی ۱۱۷ .
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد،
تفصیل الشرعیه الحدود، قم، مرکز
فقه ائمه اطهار ، ۱۴۲۲ ق
- کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، چاپ
هشتم، تهران، انتشار، ۱۳۸۱ ش.
- -----قواعد عمومی قراردادها،
چاپ هفتم، تهران، انتشار، ۱۳۸۵ ش
- -----، مشارکته‌ها و صلح، چاپ
هشتم، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸ ش
- کاشف‌الغطاء، محمدحسین، تحریر
المجله، نجف، المكتبة المرتضویه،
۱۳۵۹ ق
- کرکی عاملی (محقق ثانی)، علی بن
حسین بن عبدالعالی، جامع المقاصد
فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم، آل
البیت، ۱۴۱۴ ق
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد،
مجمع الفائدة البرهانه و فی شرح
ارشاد الازدهان، قم، دفتر
انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان
عکبری بغدادی، المقنعه، قم،
کنگره جهانی هزاره شیخ



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی